گزارش خبری

جزئیات اصلاح عناوین شغلی و مشاغل سخت و زیان‌آور

اصلاح عناوین شغلی با هدف بهره‌مندی افراد از مزایای قانون بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور انجام شد و اکنون بیش از نیمی از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی، جزء مستمری‌بگیران پیش از موعد هستند که دراین‌میان، مستمری‌بگیران سخت و زیان‌آور بیشـترین فراوانی را دارند. رئیس دیوان عدالت اداری تیر امســال با توجه به اینکه حجم زیادی از شـکایات در این دیوان در حوزه تأمین اجتماعی مربوط به اصلاح عنوان شغلی است، در راستای صیانت از حقوق کارگران در نامه‌ای به رئیس مجلس شــورای اسلامی، اصلاح نواقص ضروری در ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی درباره اصلاح عنوان شـغلی را خواستار شد. طبق ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی، کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثـر تا آخرین روز ماه بعد به ســازمان بپردازد، همچنین صورت مزد یا حقوق بیمه‌شدگان را به ترتیبی که در آیین‌نامه طرز تنظیم و ارسال صورت مزد به تصویب شورای‌عالی ســازمان خواهد رسید، به سازمان تسـلیم کند. براساس این بود که سازمان تأمین اجتماعی در ششم بهمن امسال از اصلاح بخش‌نامه عناوین شغلی و تعیین دسـتمزد سوابق ناشـی از کمیته‌های احتساب سـوابق و صدور و ابلاغ بخش‌نامــه جدید خبر داد. این بخش‌نامه در راسـتای اجرای رأی هیئت عمومی دیوان عدالــت اداری درباره صلاحیت مراجع حل اختلاف کار برای رسـیدگی به اختلاف میان کارگران و کارفرمایان در درج عناوین شغلی در فهرست‌های پرداخت حق بیمه، همچنین اختیار حاصله از رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر صلاحیت سازمان در رسـیدگی به درخواست بیمه‌شده برای الزام کارفرما به انجام تکالیف قانونی، برای واحدهای اجرائی صادر و ابلاغ شده است. براساس بخش‌نامه اصلاحی جدید، ضمن ایجاد اصلاحات لازم در نحوه محاسبات مابه‌التفاوت حق بیمه دوره مورد تقاضا، مقرر شد که بیمه‌شده برای اصلاح عنوان شغلی، تقاضای خود را در دبیرخانه شعبه ثبت کند و به همراه مدارک و مستندات مرتبط به واحد نام‌نویسی و حسـاب‌های انفرادی ارائه کند، واحدهای اجرائی نیز مکلف هسـتند برای تسهیل امور بیمه‌شدگان، در اسرع وقت اقدامات لازم را برای درخواست‌های اصلاح عناوین شغلی برابر ضوابط و مقررات کمیته‌های احتساب سـابقه اعمال کنند. خبرنگار حوزه رفاه و تأمین اجتماعـی ایرنا درباره اجرای این بخش‌نامــه همچنیــن مزیت‌های آن و تسـهیل کار بیمه‌شـدگان حائز شـرایط بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور و مشاغل عادی، همچنین محاسبه و اخذ مابه‌التفاوت مبلغ حق بیمه ناشی از اصلاح عنوان شغلی، گفت‌وگویی با «مدیرکل نام‌نویسی و حساب‌های انفرادی سازمان تأمین اجتماعی» داشته است که مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

بشـیر عمرانی در پاسخ به پرسشـی مبنی بر اینکه «آیا کارگران و بیمه‌شدگان می‌توانند درباره شـغل‌های درج‌شده خود در فهرسـت‌های پرداخت حق بیمه اعتراض کنند؟»، اظهــار کرد: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ اول تیر ۱۴۰۰ در دادنامه شــماره ۱۱۱۵-۱۱۱۴، صلاحیت رسیدگی و اصلاح عناوین شغلی کارگران در طول خدمت خود را برای هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف قانون کار به رسمیت شناخت که با توجه به این رأی مشخص شد که کارگران و بیمه‌شدگان می‌توانند درباره شـغل‌های مندرج خود در فهرسـت‌های پرداخت حق بیمه که پیش‌تر از طرف کارفرمای مربوطه به سازمان تأمین اجتماعی ارسال شده، اعتراض کرده و با ارائه مدارک، خواهان رسـیدگی به موضوع شـوند. بـه این موضوع در اصطلاح «درخواسـت اصلاح عنوان شـغلی» اطلاق می‌شود و بدیهی است که تقریبا همه درخواسـت‌های اصلاح عناوین شـغلی به منظور بهره‌مندی افراد از مزایای قانون بازنشسـتگی در مشاغل سخت و زیان‌آور انجام می‌شود. تقریبا همه درخواسـت‌های اصلاح عناوین شغلی به منظور بهره‌مندی افراد از مزایای قانون بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور مطرح می‌شود. او ادامه داد: درحال‌حاضر بیش از نیمی از بازنشسـتگان سازمان تأمین اجتماعی، جزء مستمری‌بگیران پیش از موعد هسـتند که دراین‌میان مستمری‌بگیران مشاغل سخت و زیان‌آور بیشترین فراوانی را دارند که این موضوع تأثیر بسیار بزرگی بر منابع مالی این سازمان دارد و قدرت مالی سازمان تأمین اجتماعی را به میزان زیادی تحت تأثیر قرار داده است.

اصلاح دستمزد و شغل، پرتعدادترین شکایت‌هاست

مدیر کل نام‌نویسی و حساب‌های انفرادی سازمان تأمین اجتماعی افزود: یکی از شکایات پرتعدادی که بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی پیش‌ازاین به سازمان ارائه می‌دادند، اصلاح دستمزد و شغل آنان بود که با صدور این رأی مهم، امکان رسـیدگی به این موضوع و اصلاح فهرست‌های ارسـالی با شکایت بیمه‌شدگان فراهم می‌شود.

فرد در مشاغل سخت و زیان‌آور از ۱۰ سال سنوات ارفاقی بهره‌مند می‌شود

عمرانی خاطرنشــان کرد: هر تغییر در عنوان شغل برای هر بیمه‌شده در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۳ میلیارد ریال به اندوخته دیگر کارگران، بار مالی تحمیل می‌کند که در قانون مشــاغل سخت و زیان‌آور محل تأمین این بار مالی مشخص نشده است، زیرا به محض آنکه شغل شخص به‌عنوان شغل سخت و زیان‌آور شناخته شود، آن فرد از ۱۰ ســال سنوات ارفاقی بهره‌مند می‌شود و علاوه بر پرداخت‌نکردن ۱۰ سال حق بیمه، به همین مدت زودتر از مستمری بازنشستگی سازمان برخوردار می‌شود. مدیر کل نام‌نویسی و حساب‌های انفرادی سازمان تأمین اجتماعی افزود: باید توجه داشـت که این موضوع هزینه‌ای اسـت که با توجه به استاندارد نبودن محل کار کارگران (به جز مشــاغل گروه «ب» قانون اشاره‌شده) و بی‌توجهی کارفرمایان به رفع صفت سخت و زیان‌آوری که مطابق همین قانون فقط دو سال زمان برای رفع آن فرصت داشته‌اند، به اندوخته دیگر کارگران نیز تحمیل می‌شود. به موجب ماده ۱ آیین‌نامه اجرائی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی مــاده (۷۶) قانون اصلاح مــواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره مــاده (۷۶) قانون تأمین اجتماعــی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ -مصوب ۱۳۸۰- موضــوع تصویب‌نامه شــماره ۱۵۳۶۵/ت۳۶۰۰۵هـ مورخ ۱۳۸۶/۰۲/۰۵، مشاغل به دو گروه الف و ب تقسیم‌بندی می‌شوند.

گروه الف: مشــاغلی که صفت ســخت و زیان‌آوری با ماهیت شغل وابستگی دارد اما می‌توان با به‌کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر مناسب از طرف کارفرما سختی و زیان‌آوری آنها را حذف کرد.

گروه ب: مشــاغلی که ماهیتا ســخت و زیان‌آور بوده و با به‌کارگیری تمهیدات بهداشـتی، ایمنی و تدابیــر فنی از طرف کارفرما، صفت ســخت و زیان‌آوری آنها کاهش یافته، ولی کماکان سخت و زیان‌آوری آنها حفظ می‌شود.

به محض آنکه شغل شخص به‌عنوان شغل سخت و زیان‌آور شناخته شود، آن فرد از ۱۰ سال سنوات ارفاقی بهره‌مند می‌شود.

عمرانی گفت: فقط در ۹ماهه نخسـت سال جاری بیش از ۴۰ هزار درخواست و رأی از این دست به سازمان تأمین اجتماعی واصل شده است که با درنظرداشتن مبالغ ذکرشده، هزینه بسیار سنگینی را در بر دارد.

مدیر کل نام‌نویســی و حساب انفرادی ســازمان تأمین اجتماعی تصریح کرد: متعاقب آرای اشاره‌شــده، سازمان تأمین اجتماعی در ســال ۱۴۰۱ اقدام به صدور بخش‌نامــه‌ای به شــماره ۱۷۷۷ بــرای رسـیدگی و اصلاح مشــاغل مندرج در فهرســت‌های پرداخت حق بیمه گذشــته کارفرمایان کرد. او افزود: بسیار واضح است که رسیدگی سازمان تأمین اجتماعی به درخواست‌های وارده علاوه بر اینکه در راستای اجرای تبصره ۴ ماده ۱۶ قانون جدید دیوان عدالت اداری مبنی بر ارائه پاسخ قانونی و متقن به درخواست‌های وارده بوده، قطعا از طرح شکایات متعدد در مراجع حل اختلاف و دیوان عدالت اداری نیز جلوگیری کرده است.

گزارش «شرق» از وضعیت سرویس مدرسه دانش‌آموزان روستایی در سیستان‌وبلوچستان

تحصیل با ارابه مرگ

شادی مکی

«عذاب، ترس، ســختی، خطر مرگ»؛ این جان کلام برای توصیف لحظه‌هایی اســت که دانش‌آموزان مقطع متوســطه در روستای «متســنگ» از توابع شهرستان نیک‌شهر تجربه می‌کنند. تصاویر ثبت‌شده از لحظات سخت این دانش‌آموزان دختر اهل سیستان‌وبلوچستان در حین استفاده از سرویس مدرسه به‌شدت مورد توجه مردم در فضای مجازی قرار گرفته است. شاید برای آنها که در استان‌های برخوردار زندگی می‌کنند، نشستن ۳۰ دانش‌آموز در کابین عقبی یک دستگاه وانت تویوتا برای رسیدن به مدرسه‌ای که ۱۵ کیلومتر آن‌سوتر دایر است، تصورناپذیر باشد. اما این لحظات عذاب‌آور را هر روز دانش‌آموزان متسنگ زندگی می‌کنند به‌ویژه وقتی که بچه‌هــا چاره‌ای ندارند جز اینکه برای جای‌گرفتن در ســرویس، مســیر حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه‌ای را روی لبه درعقبی وانت بنشینند و پاهای‌شان را بیرون از آن قرار دهند. این شــرایط وقتی از عذاب‌آور بودن به ســمت خطرآفرینی می‌رود که راننده در چنین شــرایط نامطلوبی اقدام به راندن خودرو در جاده‌ای غیراستاندارد و تقریبا ســنگلاخی می‌کند. جاده‌ای که حتی آسفالت‌های آن شکسته و مســیر را پر دست‌اندازتر کرده اســت. با این حال باید تأکید کرد که این شرایط ناگوار تنها مختص دانش‌آموزان این روستا نبوده و در بسیاری از استان‌های کم‌برخوردار و محروم کشور دانش‌آموزان در چنین شرایطی به تحصیل خود ادامه می‌دهند. هرچند در بسیاری موارد همه این مشکلات تبدیل به مانعی بزرگ بر ســر راه ادامه تحصیل دانش‌آموزان و به‌ویژه دختران می‌شود. چنان‌که مهرماه امسال مدیر کل آموزش و پرورش سیستان‌وبلوچستان، از شناسایی حدود ۴۰ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در گروه سنی شش تا ۱۱ سال در این استان خبر داد؛ یعنی ۴۰ هزار کودک در این استان تنها از تحصیل در مقطع ابتدایی بازمانده‌اند. او همچنین تأکید کرده است که آمار دختران بازمانده از تحصیل از پسران بیشتر است. قطعا نمی‌توان تأثیر عوامل اقتصادی و نبود امکانات را بر شــدت یا ضعف پدیده بازماندگی از تحصیل و همچنین ترک تحصیل در کشــور نادیده گرفت. حالا هم نوبت به دانش‌آموزان اهل متسنگ رسیده است که والدین‌شان در هراس از وضعیت خطرناک سرویس مدرسه و تردد دانش‌آموزان بر سر دوراهی حفظ ســلامت به بهای ممانعت از تحصیل یا ادامه شرایط با پذیرش خطر برای فرزندان‌شان قرار بگیرند. یک دوراهی که والدین دارای دانش‌آموز دختر را بیشتر گرفتار خود کرده اســت. درحالی‌که این روزها خانواده این محصلان در کنار اولیای مدرسه از مسئولان آموزش و پرورش و مردم طلب کمک می‌کنند اما پاسخ مسئولان آموزش و پرورش به همه انتقادات و مطالبات تنها یکی، دو کلمه است: «بودجه نداریم»؛ شرایطی که نهاد آموزش در همه دولت‌ها به آن گرفتار بوده است و به نظر هم نمی‌رسد که برای مسئولان، تأمین مالی و تخصیص بودجه کافی به وزارت آموزش و پرورش یعنی نهاد آینده‌ساز و آینده‌پرور کشور اولویتی مهم و حتی استراتژیک باشد.

کار از کار گذشت

کشته‌شدن ۲ دانش‌آموز در جاده روستایی

در حین نوشــتن گزارش متسنگ خبر تلخ دیگری می‌آید، این بار کار از کار گذشته است، دو کودک، دو دانش‌آموز، دو خواهر و برادر اهل روستای پوتاپ و باز هم از توابع شهرستان نیک‌شهر، روز چهارشنبه اول اسفند ماه در همین جاده‌های کج‌ومعوج و غیراســتاندارد روســتایی در مسیر برگشت از روستای محل مدرسه به روستای محل زندگی جان خود را از دست دادند، برادر دیگر هم راهی بیمارســتان شده است. شکیب ۱۵ساله در دم جان می‌سپارد، گلی ۱۳ساله در بیمارستان آخرین نفس‌های کودکانه‌اش را می‌کشد و نادر ۱۴ساله هم در بیمارســتان بستری می‌شــود. حقیقت آن است که گلی و شکیب هم می‌توانستند مانند فرزندان مسئولان عید را کنار خانواده خود جشن بگیرند و والدین آنها هم می‌توانســتند امروز سوگوار ازدست‌دادن دو جگرگوشه خود نباشند، اگر نبود بی‌توجهی و غفلت مسئولان امر از آموزش و پرورش تا وزارت راه، اگــر نبود محرومیت منطقــه، بحران بی‌پولی، فقدان عدالت آموزشــی، فقدان مدرسه متوسطه در روستا، جاده ناامن و غیراستاندارد و... این خانواده روز جمعه سوم اسفند دو کودک خود را به خاک نمی‌سپردند تا یادمان بماند که کوتاهی‌ها و غفلت‌ها با جان و سرنوشت شهروندان چگونه بازی می‌کند. واحدبخش رئیسی رئیس شورای روستای پوتاپ درباره این حادثه به «شرق» می‌گوید: «روز چهارشــنبه این سه خواهر و برادر سوار بر موتور راهی مدرسه می‌شوند که در مسیر با یک موتور دیگر تصادف می‌کنند. گلی و شکیب فوت می‌کنند و برادر دیگرشــان نادر هم در حال حاضر در بیمارســتان است و در چند نقطه دچار شکســتگی شدید شده است». به گفته رئیسی هر سه کودک دانش‌آموز مقطع متوسطه بوده‌اند: «روستای ما فاقد مدرسه مقطع متوسطه است و بچه‌ها چاره‌ای ندارند جز آنکه برای ادامه تحصیل به روستای رمضان کلگ بروند. آنها باید برای رسیدن به این روستا ۹ کیلومتر جاده غیراستاندارد و خراب را طی کنند، جاده‌ای باریک و بدون آســفالت مناسب که در مسیر آن هم یک سراشیبی بسیار تند و هم یک پیچ وجود دارد. دقیقا بچه‌ها سر همین پیچ و در همین مســیر سراشیبی دچار حادثه شــده و با موتوری که از سمت مقابل می‌آید تصادف می‌کنند. چندباری هم پیش آمده اســت که بچه‌ها در مســیر دچار حادثه جزئی شوند مانند واژگون‌شدن موتور اما تا به حال حادثه منجر به فوت نداشتیم».

گفتند تعداد دانش‌آموزانتان کم است

او تأکید می‌کند که به دلیل نگرانی خانواده‌ها و با توجه به مســیر سخت مدرســه، شــورای روســتا چندباری با آموزش و پرورش نامه‌نــگاری کرده و درخواســت کرده‌ایم که مدرسه متوسطه در روســتای خودمان دایر شود به این امید که شرایط دانش‌آموزان بهبود یابد و از بروز حوادث سخت پیشگیری شود: «اما آموزش و پرورش به ما می‌گوید تعداد دانش‌آموزان شما کم است. ما ۳۰ دانش‌آموز در روســتا داریم که ناچارند این مسیر را برای ادامه تحصیل طی کنند. اگر مدرسه نباشد بچه درس نمی‌خواند، تعداد دانش‌آموزان ما به ۴۰ نفر هم می‌رسد اما به دلیل نبود مدرسه و سرویس مدرسه و خطرناک‌بودن مســیر تعداد دانش‌آموزان ما کم شده است. فرزندان ما در هوای سرد و گرم با شرایط بســیار سختی برای درس‌خواندن مواجه هســتند». رئیس شورای روســتای پوتاپ این را هم می‌گوید که تنها ســرویس مدرســه این روستا یک دستگاه وانت است که شهریه آن برای هر دانش‌آموز ماهانه ۴۰۰ هزار تومان اســت: «این بچه‌ها هم قبلا از همین سرویس استفاده می‌کردند اما خانواده شرایط تأمین هزینه ماهانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان را نداشت و به همین دلیل از مدتی پیش پدر خانواده موتور خود را در اختیار فرزندانش گذاشـت تا به جای ســرویس وانت از موتور برای تردد به مدرســه اســتفاده کنند زیرا در غیر این صورت بچه‌ها ناچار بودند پای پیاده از رودخانه بگذرند که مســیر کوتاه‌تری حدود چهار کیلومتر تا روستای رمضان کلگ دارد اما بسیار خطرناک است زیرا فاقد پل اســت. در واقع اهالی روستا ناچارند رودخانه را دور زده و وارد جاده ترانزینی شــوند. زمانی هم که رودخانه پرآب می‌شود عملا تا چند روز جاده بسته است». رئیسی اضافه می‌کند: «۳۰ دانش‌آموز ناچارند با همین وانــت در جاده خطرناک پوتاپ بــه رمضان کلگ تردد کنند. هیچ‌کس هم به داد ما نمی‌رسد. از طرف دیگر آموزش و پرورش مبلغ بسیار ناچیزی به راننده سرویس می‌دهد که فایده ندارد. این فرد در روستای ما مغازه دارد و به همین دلیل قبول کرده که ســرویس بچه‌ها باشــد وگرنه با این میزان حقوق کم که چیزی حدود ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان اســت هیچ‌کس حاضر به قبول این مسئولیت نیست».

پرداخت شهریه سرویس مدرسه با یارانه

حامد سهرابی، دهیار روستای متســنگ، تصاویری از شرایط جاده را برای «شرق» ارســال می‌کند؛ تصاویری که نشــان‌دهنده وضعیت وخیم این جاده‌هاست. مسیری که در جای‌جای حاشیه آن اجســاد خودروهای سبک و سنگین حادثه‌دیده به چشم می‌خورد: «در این جاده‌ها موارد تصادف زیاد اســت اما خوشــبختانه تا امروز اتفاقی برای سرویس مدرسه نیفتاده است. اما این مسئله از نگرانی خانواده‌ها کم نمی‌کند». او تأکیــد می‌کند که در مجموع ۶۰ دانش‌آموز دختر و پســر هر روز این مســیر را تا رسیدن به مدرسه طی می‌کنند: «تعداد دختران دانش‌آموزی که از این سرویس استفاده می‌کنند، ۲۹ نفر اســت که همگی در مقطع متوســطه دوم تحصیــل می‌کنند. اما ۳۱ دانش‌آموز پســر هم در متوســطه اول و دوم مشغول به تحصیل هستند که آنها هم با همین شرایط در مسیر مدرسه تردد می‌کنند. درواقع چندین سال است که دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم از سرویس مدرسه محروم هستند و با استفاده از همین وانت تویوتا فاصله متســنگ تا روســتای مرکزی مهبان را که دارای مدرسه مقطع متوسطه است، طی می‌کنند. فصل سرما باشد یا فصل گرما فرقی نمی‌کند، وسیله تردد به مدرسه همین وانت اســت که جــای کافی برای بچه‌ها ندارد». ســهرابی که علاوه بر دهیاری، معلم هم هســت، می‌گوید: «راننده روزانه چهار مرتبه این مسیر را طی می‌کند. یک بار دخترها را به مدرســه می‌برد، یک بار هم پســرها را، برای برگشت به روستا هم شرایط به همین شــکل است. از طرف دیگر آموزش و پرورش قرار بود برای این تردد به راننده ماهانه چهار میلیون تومان بپردازد که این کار به صورت منظم انجام نمی‌شود. آموزش و پرورش به ما می‌گوید اگر بودجه سرویس را پرداخت کردند، ما هزینه سرویس را میان روســتاها تقسیم می‌کنیم. حقیقت آن است که شهریه ســرویس برای دانش‌آموز ۶۰۰ هزار تومان است که عمدتا خانواده‌ها از طریق مبلغ یارانه آن را پرداخت می‌کنند. حتی گاهی راننده هم همکاری می‌کند و دلش رضا نمی‌دهد که دختری به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه سرویس، از مدرســه محروم شود. به‌همین‌دلیل گاهی بچه‌هایی را که توان مالی ندارند، بدون گرفتن هزینه سرویس، به مدرسه می‌برد. البته از دو سال پیش با کمک خیرین و فعالان اجتماعی مقداری از این هزینه‌ها تأمین شــد. اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، بســیاری از دخترها ناچار به ترک تحصیل می‌شدند». او به پروژه کشیدن خط آهن در این منطقه هم اشاره می‌کند: «ماشین‌آلات سنگینی که برای اجرای این پروژه در جاده مهبان-متســنگ، تردد می‌کنند، به خطرات این جاده خراب و غیراستاندارد اضافه کرده‌اند. جاده ما یک جاده روستایی درجه سه و فاقد زیرسازی است. چند بار با مسئولان این پروژه جلسه گذاشته‌ام، اما اتفاق خاصی نیفتاده است. ساعت کار این ماشین‌ها از ســاعت۵:۳۰، ۶ صبح شروع می‌شــود، درحالی‌که ساعت حرکت سرویس مدرسه هم شش صبح است. هر بار که ســرویس مدرسه حرکت می‌کند، ما خدا خدا می‌کنیم که حادثه‌ای برای بچه‌ها رخ ندهد». دهیار روســتا این را هم می‌گوید که وزارت آموزش و پرورش از وضعیت روستاها مطلع است: «می‌گویند بودجه نداریم و شرایط مهیا نیست. ای کاش یا مدرســه مقطع متوسطه برای دختران و پســران در خود روستا دایر شود یا اینکه حداقل یک ســرویس ایاب و ذهاب مناســب در اختیار فرزندان ما قرار گیرد. این مهم‌ترین خواسته ما از آموزش و پرورش است».

دستگاه کمپرسی، سرویس مدرسه روستایی

شــرمین نادری، فعال حوزه آموزش و مروج کتاب که ثبت‌کننده تصاویر دختران دانش‌آموزان پشت وانت بوده است، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که این شیوه تردد دانش‌آموزان به مدرسه در اســتان‌های کم‌برخوردار به‌شدت در کشور متداول است و محدود به استان سیستان‌وبلوچستان و روستای متسنگ نمی‌شود: «به‌عنوان مثال تا مدتی پیش دانش‌آموزان دختر در یکی از روستاهای مجاور متسنگ با دستگاه خطرناک کمپرســی به مدرســه رفت‌وآمد می‌کردند که با اطلاع‌رسانی و کمک یک شــرکت خصوصی به‌عنوان مســئولیت اجتماعی، یک خودروی ون برای مدرســه خریداری شــد و دراختیار مدرسه قرار گرفت. این خودرو در طول روز چهار مرتبه در مسیر مدرسه رفت‌وآمد کرده و در دو شیفت صبح و عصر به صورت رفت‌وبرگشتی، حدود صد دانش‌آموز دختر و پســر را جابه‌جا می‌کرد. این روســتا البته در دو، ســه کیلومتری روســتای مهبان قرار داشــت». او توضیح می‌دهد که دانش‌آموزان دختر روســتای متسنگ برای تحصیل در مقطع متوســطه دوم چاره‌ای ندارند جز اینکه فاصله روســتای خود با روستای مرکزی را در شرایطی که جاده مواصلاتی نامناسب، کوهســتانی و صعب‌العبور اســت، ســوار بر وانت طی کنند: «با توجــه به اینکه در این مســیرها حوادث جاده‌ای بسیاری رخ داده اســت، والدین در هراس‌اند که جان فرزندان‌شــان در این مسیر به خطر بیفتد. آنها می‌گویند چرا باید دختران‌مان را با این شرایط به مدرسه بفرستیم. تعداد دانش‌آموزانی که سوار بر وانت در این مسیر تردد می‌کننــد، آن‌قدر زیاد اســت که حتی راننده هم در شــرایط نامطلوبی برای رانندگی قرار می‌گیرد. نگرانی بحق والدین باعث شده ادامه تحصیل این دختران محل تردید باشد».

جاده‌های ناهموار، زمینه‌ساز ترک تحصیل دختران

نادری می‌گوید: «نباید شرایط را این‌گونه تفسیر کنیم که خانواده‌ها به لحاظ فرهنگی به دنبال ممانعت از تحصیل دختران‌شان هستند، این درست نیست بلکه آنها دو راه پیش‌رو دارند؛ یکی اینکه خانه و کاشانه خود را به نیک‌شهر منتقل کنند تا دختران‌شان قادر به ادامه تحصیل باشــند که در عمل برای‌شان مقدور نیست یا دختران‌شان را به مدارس شــبانه‌روزی بفرستند که با توجه به شــرایط فکری و فرهنگی چنین اقدامی انجام نمی‌دهند. نتیجه این شرایط هم آن می‌شود که غالبا دخترها از رفتن به مقطع دبیرســتان محروم شده و ترک تحصیل می‌کنند. البته وضعیت دانش‌آموزان پسر هم بهتر از دخترها نیســت. آنها هم در بســیاری موارد ناچار به ترک تحصیل شــده و به دنبــال کار و درآمد می‌روند. با این حال اگر پســرها تصمیم به ادامه تحصیل داشــته باشند، خانواده‌ها معمولا نمی‌توانند جلوی آنها را بگیرند». او شرایط دانش‌آموزان این منطقه را ســخت و عجیب توصیف کرده و ادامه می‌دهد: «با توجه به خطرناک‌بودن جاده و از طرف دیگر شرایط نامطلوب پرداخت دستمزد به راننده مدتی پیش او اعلام کرد با توجه به شــرایط، علاقه و توانی برای ادامه همکاری ندارد زیرا نه دســتمزدی کــه آموزش و پرورش به او می‌پردازد، مطلوب و به‌موقع اســت و نه خانواده‌ها توان مالی کافی دارند. آموزش و پرورش به این راننده‌ها ماهانه ســه، چهار میلیون تومان می‌دهد اما این پرداخت‌ها هم کم اســت و هم به صورت منظم و به‌موقع نیســت. یعنی گاهی تا چند ماه شهریه سرویس توســط این نهاد پرداخت نمی‌شود. به‌علاوه اینکه در این مناطق بنزین به شــدت گران و دسترسی به آن سخت است. راننده‌ها از آموزش و پرورش می‌خواهند کــه حداقل پول بنزین آنها را پرداخت کند اما در عمل چنین نمی‌شود. بچه‌ها و به‌ویژه دخترها در روستای متسنگ به دلیل این مشکلات در خطر از دســت دادن همین یک تمهید یعنی سرویس تردد به مدرسه قرار گرفته‌اند». بــه گفته این فعال حــوزه آموزش احداث خط آهن در این منطقه هم به مشــکلات تردد دانش‌آموزان اضافه کرده اســت: «جاده مهبان به متســنگ به دلیل اجرای این پروژه نسبت به قبل هم شرایط نامناسب‌تری یافته و در عین حال تبدیل به محل تردد ماشــین‌آلات سنگین شده است. این مســئله نگرانی برای جان دانش‌آموزان در حین تردد به مدرسه و برگشت را بیشتر کرده است. البته با مسئولان پروژه صحبت شد و در نهایت به راننده‌های این ماشین‌آلات اعلام کردند که زمان تردد دانش‌آموزان دست از کار بکشند. با این حال همچنان خطر تصادف در این جاده ناهموار و غیراستاندارد زیاد اســت. شرایطی که در طول زمستان به دلیل یخ‌زدگی جاده وخیم‌تر هم می‌شود. این را هم باید در نظر گرفت که سیل هم بخشی از جاده این منطقه را تخریب کرده و این مسئله هم موجب غیراستانداردتر شدن شرایط مسیر شده است».

امید و انتظار برای دانش‌آموزان متسنگ

او این موضوع را هم یادآوری می‌کند که حدود دو سال پیش مقطع متوسطه اول برای دختران به کمک خیرین در روســتای متسنگ دایر شد و این گروه از دانش‌آموزان نیــازی به تردد به روســتای مهبان ندارنـد: «تاکنون دو کلاس درس بــه این منظور ســاخته‌ایم و در حال ســاخت کلاس دیگری هســتیم اما منابع مالی کمی در اختیار داریم و نمی‌توانیم ســاخت آن را به پایان برسانیم. امید ما این است که بتوانیم مجوز دایرشــدن کلاس درس در روستای متسنگ برای تحصیل دانش‌آموزان متوسطه دوم را دریافــت کنیم و با کمک خیرین و آموزش و پرورش اقدام به ســاخت کلاس درس کنیم. ۲۱ بهمن که به منطقه ســفر کردم، متوجه شــدم که با وجود همه مشــکلات و محرومیت‌هایی که بچه‌ها با آن مواجه هســتند، چند دانش‌آموز روســتا در مقطع متوسطه اول معدل ۲۰ گرفته‌اند در حالی که مشخص نیست بتوانند به مقطع بعدی بروند یا نه».

این مروج کتاب به مشــکلات دانش‌آموزان در روستای «تخت‌ملک» یکی دیگر از روستاهای تابعه شهرستان نیک‌شهر هم اشاره می‌کند: «این روستا جاده‌ای سربالایی دارد که مسیر را به شدت صعب‌العبور کرده است. در این شرایط دانش‌آموزان پسر به حاشیه جاده می‌روند تا بتوانند با کمک خودروهای عبوری خود را به مدرسه برسانند. این رفتار به شدت دانش‌آموزان را در معرض خطر قرار می‌داد. در نهایت ما توانستیم برای دانش‌آموزان پسر و دختر سرویس تردد به مدرسه تهیه کنیم. شرایط رفت‌وآمد دانش‌آموزان آن‌قدر غیراستاندارد است که آبان ماه دختران دانش‌آموز متعلق به یکی از روستاهای منطقه دشــتیاری بالاخره اعتراض کردند و گفتند که «آن‌قدر تعدادمان زیاد است که مثل مور و ملخ سوار وانت می‌شویم». آنها از این شیوه خطرناک تردد به مدرسه دچار استرس شده بودند».

عبور از زیستگاه گاندوها برای رسیدن به مدرسه

او این را هم اضافه می‌کند که تا چند ســال پیــش دانش‌آموزان دختر متعلق به روستای «کهکانیکش» از مدرســه‌رفتن محروم بودند و دانش‌آموزان پسر هم باید از رودخانه‌ای گذر می‌کردند که محل زیست گاندو بود: «وقتی این موضوع را اعلام کردیم، در این روســتا مقطع متوســطه دوم دایر شد و همچنین با احداث پل پسرها توانستند بدون خطر به مدرسه خودشان بروند». این فعال حوزه آموزش تأکید می‌کند که گاهی یک حادثه باعث می‌شود سایرین هم برای جان فرزندان‌شان احساس ترس کنند: «حالا هم بعد از حادثه‌ای که برای دانش‌آموزان کرمانی رخ داد، والدین در روستای متسنگ ترســیده‌اند و حتی برای سرویس مدرسه مبلغ بسیار کمی حدود ۱۰، ۱۵ میلیون جمع کرده‌اند به این امید که برای سرویس بچه‌ها خودرو کرایه کنند. اما این مبلغ شاید برای یک ماه کافی باشــد اما برای باقی ســال تحصیلی باید چه کرد؟ حقیقت آن است که دانش‌آموزان متســنگ و سایر مناطق این اســتان برای ادامه تحصیل به کمکی بزرگ نیاز دارند».

عامل فرهنگی نداریم، مسئولان مقصرند

«آمار دختران بازمانده از تحصیل در سیســتان و بلوچســتان بیش از پسران است. همیشــه در بررســی علل این پدیــده مهم‌ترین علت این موضــوع را عامل فرهنگی توصیــف می‌کنند. مثلا عنوان می‌شــود که بســیاری از خانواده‌ها بــه دلیل تعصب اجــازه نمی‌دهند دختران به مدرســه بروند. اما به نظر مــن در حال حاضر این عامل اصلا وجود ندارد». این را معلم یکی از روســتاهای همجوار متســنگ در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید.

او تأکید می‌کند که اصرار آموزش و پرورش بر عامل فرهنگی به عنوان علت ترک تحصیل دختران برای آن اســت که مسئولان این نهاد خود را از مسئله سوءمدیریت و عدم تأمین امکانات مناســب آموزشی در این مناطق تبرئه کنند: «امروز در هیچ‌یک از روســتاهای ما دیده نمی‌شــود که خانواده‌ها به دلیل مسئله فرهنگی از مدرسه‌رفتن دختران خود جلوگیری کنند. این مسئله در زمان قدیم بوده است اما در حال حاضر به نظر من چنین مسئله‌ای وجود ندارد بلکه عمده‌ترین علت ترک تحصیل دختران، نبود مدرسه در روستاها، عدم توانایی برای تأمین هزینه‌های تحصیلی و مشکلات مرتبط با سرویس مدارس است».

وقتی وانت هم برای تردد نیست

این معلم تأکید می‌کند که مشکل سرویس مدرسه تنها مربوط به روستای متسنگ نیســت: «بسیاری از روستاهای جنوب استان با این مشــکل مواجه هستند و حتی در بسیاری از روستاهای این مناطق همین وانت هم برای تردد بچه‌ها وجود ندارد. وقتی سرویس مدرسه نباشد، امکان ادامه تحصیل هم برای دختران وجود ندارد».

به گفته او دانش‌آموزان و به‌ویژه دختران دانش‌آموزی که برای تحصیل به شــهر نیک‌شــهر مراجعه می‌کنند هم غالبا مسیر خانه تا نیک‌شهر را با وانت طی می‌کنند: «هر روز صبح شاهد هســتم که دانش‌آموزان از روستاهای حاشیه نیک‌شهر از وانت به‌عنوان سرویس مدرسه استفاده می‌کنند. این در حالی است که هر لحظه امکان بروز حادثه وجود دارد. گرچه ممکن اســت در شرایط وقوع حادثه مدیر مدرسه را مقصر بدانند اما در چنین مواردی تقصیر از مدیر نیست بلکه وزارت آموزش و پرورش است. همه از شــرایط باخبر هستند. ســرویس‌های مدارس ثبت می‌شوند و کاملا مشخص است که سرویس مدرسه‌ای وانت است یا ون».

این معلم علت عدم اســتقبال رانندگان و مالکان مینی‌بوس و اتوبوس از سرویس مدرســه بودن در ایــن مناطق را مبلغ بســیار کمی می‌داند که به عنوان شــهریه به سرویس مدارس در این مناطق پرداخت می‌شود.

حقوق در اندیشه هگل و دکتر منوچهر آشتیانی

حسن خلیل خلیلی
حقوق‌دان و وکیل دادگستری

دیدگاه‌های هگل و دکتر منوچهر آشــتیانی در زمینه حقوق، هرچند در بســترهای فلسفی و سیاسی متفاوتی شکل گرفته‌اند، اما به‌طور کلی هرکدام به‌طور خاص در ارتباط با مسائل اجتماعی، حقوق فردی و ماهیت قانون، به بررسی نهادهای اجتماعی پرداخته‌اند. برای مقایسه دیدگاه‌های هگل و دکتر منوچهر آشــتیانی در زمینه حقوق، ابتدا باید تفاوت‌های اساسی در دیدگاه‌های فلسفی و اجتماعی این دو را درک کرد. هگل، فیلســوف آلمانی قرن نوزدهم، نماینده‌ای از تفکر ایدئالیستی است که حقوق را در چارچوب دولت و جامعه قرار می‌دهد. در مقابل، دکتر منوچهر آشــتیانی، جامعه‌شــناس ایرانی نئومارکسیســت، حقوق را بیشــتر در بستر تحلیل‌های اجتماعی و اقتصادی مورد بررســی قرار داده و به نقد ساختارهای موجود در جوامع ســرمایه‌داری پرداخته است. این مقایســه می‌تواند ابعاد مختلفی از حقوق، آزادی و جامعه را پوشش دهد.

دیدگاه هگل درباره حقوق

نظریه حقوقی هگل بخشی از فلسفه کلی اوست که در اثر «فلسفه حقوق» بیان شده است. هگل در ایــن کتاب بر اهمیت رابطه فرد و جامعه تأکیــد دارد و حقوق را به‌عنوان امری پدیداری و در حال تحول می‌بیند. فلســفه حقوق هگل در چارچوب سیستم فلسفی او (به‌طور عمیق در فلسفه سیاسی او) قرار می‌گیــرد که از دیالکتیک به‌عنوان روش اصلی تحلیل واقعیت‌ها بهــره می‌برد. در دیدگاه هگل، حقوق به‌طور کلی در چارچوب مفهوم آزادی و خودآگاهی اجتماعی مطرح می‌شــود. در فلسفه حقوق هگل، مسئله آزادی انسان و تحقق آن در جامعه و دولت، نقش اصلی را ایفا می‌کند. به‌طور کلی، هگل حقوق را نه‌تنها به‌عنوان یک نظام قانونی، بلکه به‌عنوان بخشــی از فرایند دیالکتیکی تکامل انســان و جامعه می‌بیند که به‌عنوان یک فرایند تاریخی و اجتماعی، فرد از آزادی طبیعی به آزادی قانونی و در نهایت به آزادی اخلاقی می‌رسد.

۱- آزادی و قانون: هگل آزادی را در ســه ســطح مختلف می‌بیند: آزادی طبیعی، آزادی قانونی و آزادی اخلاقی.

در سطح اول، فرد به‌عنوان موجودی طبیعی و بدون نظم اجتماعی، از آزادی برخوردار است. اما این آزادی طبیعی نمی‌تواند به‌طور کامل در جامعه انســانی تحقق یابد. در سطح دوم، فرد از طریق حقوق قانونی وارد جامعه می‌شــود و در نهایت در ســطح سوم، آزادی واقعی تنها در بستر اخلاقی و اجتماعی ممکن می‌شود. برای هگل، آزادی تنها در چارچوب قانون امکان‌پذیر است. انسان به‌عنوان موجودی آزاد نمی‌تواند خارج از جامعه و قواعد آن به آزادی دســت یابد. آزادی واقعی زمانی به‌دست می‌آید که فرد در قالب ساختارهای اجتماعی و قانونی زندگی کند. آزادی، در نظر هگل، تنها زمانی ممکن است که فرد از بند تک‌تک خواســته‌ها و تمایلات فردی خود رهایی یابد و در قالب نهادهای اجتماعی و قانونی رشــد کند. برای هگل، حقوق قانونی، تنها در چارچوب دولت و به‌عنوان ابزار تحقق آزادی اخلاقی به‌کار می‌آید.

۲- دیالکتیــک حقوقی: از منظر هگل، در دیالکتیک بین فرد و جامعــه، حقوق و اخلاق به وجود می‌آید. بــرای هگل، حقوق فرد تنها در چارچــوب جامعه و در تعامل با دیگر افراد معنا پیدا می‌کند. او به‌عنوان یک فیلســوف دیالکتیکی، حقوق را نه‌فقط به‌عنوان یک مجموعه ثابت از قوانین، بلکه به‌عنوان فرایندی تاریخی و دیالکتیکی می‌بیند. برای او، تاریخ و حقوق نشــانه‌ای از تحقق «روح مطلق» است. این روح، از ابتدا در تاریخ بشــریت به‌طور تدریجی به سمت کمال خود حرکت می‌کند و حقوق نیز یکی از ارکان این فرایند اســت. هگل معتقد اســت که در روند تکامل تاریخی، قوانین و حقوق انسانی از طریق تضادها و تضارب دیدگاه‌ها پیشرفت می‌کنند. به‌عبارت دیگر، حقوق و قوانین از طریق تضادها و تحولات اجتماعی شکل می‌گیرند و در این فرایند، هر مرحله جدید در واقع پیشرفتی نسبت به مرحله قبلی است.

۳- حقوق و دولت: هگل به نقش دولت در تحقق حقوق انســانی اعتقاد داشت. در دیدگاه هگل، دولت نهادی است که از طریق آن، حقوق افراد و آزادی‌های آنها به‌طور عینی و عمومی در قالب نظم اجتماعی تحقق می‌یابد. او معتقد اســت که آزادی انســان تنها در قالب ســاختارهای اجتماعی و قانونی دولت می‌توانــد معنا پیدا کند. هگل تأکید دارد که دولت باید با ســاختار حقوقی‌اش نماد تحقق آزادی فردی باشد. در این معنا، دولت در نظر هگل نه‌فقط یک ابزار قانونی، بلکه ارگانی است که تحقق آزادی و اخلاق انســانی در آن امکان‌پذیر اســت. او به‌ویژه در نظریه «دولت مشروط» تأکید دارد که دولت باید به‌گونه‌ای طراحی شــود که آزادی و حقوق فردی را تضمین کند و به بالاترین سطح ممکن برساند و قوانین باید در جهت کمال اخلاقی جامعه حرکت کنند.

دیدگاه دکتر منوچهر آشتیانی درباره حقوق

دیدگاه‌های دکتر منوچهر آشتیانی، به‌ویژه در زمینه حقوق، عمیقا تحت تأثیر تفکرات نئومارکسیستی و جامعه‌شناسی قرار دارد. او حقوق را به‌عنوان ابزاری در خدمت منافع طبقات اجتماعی در نظر می‌گیرد و بر نقش ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در شکل‌دهی به حقوق تأکید دارد.

۱- حقوق و ساختارهای اجتماعی: آشتیانی معتقد است که حقوق هیچ‌گاه یک امر خنثی و بی‌طرف نیست و همیشه تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. او مانند مارکس، معتقد بود که حقوق اساسا در چارچوب ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

در دیــدگاه او، حقوق نه‌تنها ابزاری برای حل تضادهای اجتماعی اســت، بلکه در واقع بازتاب‌دهنده منافع طبقات حاکم و ساختار قدرت در جامعه است. در جوامع سرمایه‌داری، حقوق به‌عنوان ابزاری برای حفظ نظم موجود و منافع طبقات حاکم عمل می‌کند. او بر این باور اســت که حقوق در چنین جوامعی نمی‌تواند برای تمام افراد جامعه به‌طور برابر عمل کند و به جای آن، ابزاری برای حفظ ســلطه طبقات اقتصادی و اجتماعی بالاست.

۲- نقد حقوق لیبرالیستی: آشتیانی، مانند بسیاری از اندیشمندان مارکسیست، به‌طور خاص نقد شدیدی به حقوق لیبرالیســتی داشت. او معتقد است که در جوامع سرمایه‌داری، حقوق به‌عنوان ابزاری برای حفظ نظم طبقاتی موجود و منافع طبقات سرمایه‌دار و سرکوب اقشار پایین جامعه عمل می‌کند. حقوق در این جوامع بیشــتر به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به نابرابری‌ها و روابط قدرت‌محور عمل می‌کند تا به‌عنوان ابزاری برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی. به‌عبارت دیگر، آشتیانی حقوق را نه به عنوان یک ابزار خنثی یا برابر برای همه افراد، بلکه به‌عنوان ابزاری در دست طبقات حاکم می‌دید.

۳- حقوق و تغییرات اجتماعی: آشــتیانی در تحلیل‌های خود از حقوق، بر تغییرات اجتماعی و اقتصادی تأکیــد می‌کرد. او بــر این باور بود که تغییرات واقعی در جامعه تنها زمانی رخ می‌دهد که ســاختارهای اقتصــادی و اجتماعی دچار تحولات بنیادی شــوند. او به‌طور خاص به نیاز به دگرگونی‌های ســاختاری در جامعه تأکید داشــت و معتقد بــود که حقوق باید در خدمت تحقق عدالــت اجتماعی و ازبین‌بردن نابرابری‌هــا و طبقات اجتماعی عمل کند. در این راســتا، او حقوق را نمی‌تواند ابزاری بی‌طرف برای حل تضادهای اجتماعی بداند بلکه آن را تحت تأثیر قدرت‌های اقتصادی و اجتماعی موجود می‌بیند.

مقایسه دیدگاه‌های هگل و آشتیانی

در مقایســه این دو دیدگاه، چندین تفاوت اساســی وجود دارد که نشــان‌دهنده تفاوت‌های فلسفی و اجتماعی آنها در تحلیل حقوق است:

۱- آزادی و حقوق: برای هگل، آزادی تنها در چارچوب جامعه و دولت ممکن است. یعنی آزادی مقوله‌ای اســت که در بســتر جامعه و دولت تحقق می‌یابد. حقوق قانونی در نظر هگل ابزاری است برای تحقق آزادی اخلاقــی و اجتماعی که در نهایت به تحقق آزادی فردی منجر می‌شــود. به عبارت دیگر، حقوق برای هگل ابزاری اســت که از طریق آن فرد می‌توانــد آزادی خود را در جامعه و درون نهادهای قانونی تجربه کند.

اما در دیدگاه آشتیانی، آزادی بیشتر به‌عنوان مفهومی اجتماعی و اقتصادی مطرح می‌شود. بنابراین، او آزادی را بیشتر از زاویه اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌کند. او به‌طور انتقادی به آزادی‌های فردی در جوامع ســرمایه‌داری نگاه می‌کند و معتقد اســت که آزادی حقیقی تنها در شرایطی به دست می‌آید که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی از بین برود. بنابراین، حقوق از دیدگاه او باید در راستای تحقق عدالت اجتماعی باشد، نه حفظ نظم موجود.

۲- ماهیت حقوق: حقوق در نظر هگل یک امر اخلاقی و اجتماعی اســت که در روند دیالکتیکی جامعه به‌وجود می‌آید. برای هگل، حقوق نمایانگر تحقق خودآگاهی فردی در قالب قوانین عمومی اســت. این قوانین به‌طور کلّی و جهانی در نظر گرفته می‌شوند و در نهایت منجر به تحقق آزادی اخلاقی می‌شوند. حقوق در این دیدگاه باید منافع فردی و جمعی را در هم آمیخته و به‌طور هماهنگ عمل کند. آشــتیانی حقوق را بازتاب‌دهنده شــرایط اقتصادی و اجتماعی و منافع طبقات حاکم می‌داند. او معتقد اســت که حقوق به‌طور بنیــادی تحت تأثیر منافع طبقات اجتماعی قرار دارد و در نتیجه نمی‌تواند به‌طور کامل از تضادهای اقتصادی و اجتماعی دور باشــد. او از دیدگاه مارکسیستی حقوق را به‌عنوان ابزاری برای حفظ نظم موجود و سرکوب طبقات پایین می‌بیند.

۳- نقد حقوق لیبرالیستی: هگل به‌طور کلی به حقوق فردی و آزادی اهمیت زیادی می‌دهد، اما در عین حال معتقد است که این حقوق باید در بستر نظم اجتماعی و دولت تحقق یابند (تأکید می‌کند که حقوق فردی تنها در بســتر جامعه و دولت می‌تواند معنادار باشد). او نقدی به حقوق لیبرالیستی ندارد، زیرا در قالب فلسفه حقوقی خود، چنین انتقادی را وارد نمی‌داند.

در نقطه مقابل، آشتیانی حقوق لیبرالیستی را به‌طور مستقیم نقد می‌کند و معتقد است که حقوق در جوامع سرمایه‌داری فقط در خدمت طبقات حاکم و ابزاری برای حفظ نظم موجود و منافع طبقات حاکم است و نمی‌تواند به‌طور واقعی، آزادی و عدالت اجتماعی را محقق کند.

۴- نقــش دولت: دولت در نظر هگل نهادی اســت که از طریق آن حقوق فردی و انســانی به‌طور عینی تحقق می‌یابد. او معتقد اســت که دولت یک ضرورت فلســفی اســت که آزادی فردی را در بستر نظم اجتماعی تحقق می‌بخشــد (به عبارتی، دولت برای هگل یک ابزار ضروری برای ایجاد نظم اجتماعی و تحقق آزادی است). آشتیانی، به‌عنوان یک اندیشمند مارکسیست، دیدگاه کاملا متفاوتی نسبت به دولت دارد. او معتقد اســت که دولت در جوامع ســرمایه‌داری ابزاری در خدمت طبقات حاکم و نظم موجود و برای حفظ نظم طبقاتی و ســرکوب اقشــار پایین اســت. از این رو، دولت نمی‌تواند ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و آزادی واقعی باشــد و بیشــتر به‌عنوان یک ابزار سرکوب برای حفظ منافع طبقات بالا عمل می‌کند.

نتیجه‌گیری

دیدگاه‌های هگل و آشــتیانی در زمینه حقوق هر دو به‌طور عمده به مسائل آزادی، جامعه و دولت می‌پردازند، اما در نهایت، می‌توان گفت که دیدگاه‌های هگل و آشتیانی، به‌ویژه در زمینه حقوق، هرکدام به‌طور بنیادین در تحلیل‌های فلسفی و اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند. هگل دیدگاه جامع‌تری نسبت به حقوق و آزادی دارد. او حقوق را بخشــی از یک فرایند دیالکتیکی تاریخ و ایدئالیستی می‌داند که در آن فرد از آزادی طبیعی به آزادی قانونی و اخلاقی می‌رســد. او معتقد اســت که حقوق و آزادی تنها در چارچوب دولت و نظم اجتماعی می‌توانند تحقق یابند. در مقابل، آشــتیانی حقوق را نه‌تنها ابزاری برای تحقق آزادی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای حفظ نظم طبقاتی در جوامع سرمایه‌داری و تأثیرگذار بر طبقات اجتماعی و بازتاب‌دهنده منافع طبقات حاکم در جامعه می‌بیند و به دنبال تغییرات ساختاری برای تحقق عدالت اجتماعی است.

این تفاوت‌های فلسفی نشــان می‌دهند که هگل و آشتیانی هرکدام در بستر فکری خاص خود، به تحلیــل و تبیین مفهوم حقوق پرداخته‌اند و هرکدام بر جنبه‌های مختلفی از این مفهوم تأکید کرده‌اند: هگل از یک منظر ایدئالیســتی به حقوق نگاه می‌کند، در حالی که آشتیانی از یک دیدگاه مارکسیستی و جامعه‌شناسی انتقادی به تحلیل حقوق و آزادی می‌پردازد. هگل یک فیلسوف ایدئالیست است که با واکاوی تاریخی، ایده «دولت» را ارائه کرد. نگاه ایشــان با توجه به تجربه تاریخی تا اوایل قرن نوزدهم میلادی، به این نکته معطوف است که «چگونه باید باشد» تا فرد و جامعه به آزادی اخلاقی دست یابند و نظرش به «ارزش‌گذاری وضع موجود» نیســت. اما مرحوم آشــتیانی پس از تقریبا ۲۰۰ سال، از منظر جامعه‌شناسی بحث را دنبال کرده و نگاه ایشان این است که وضع موجود «چگونه هست» و نظرش به ارزش‌گذاری وضع موجود است؛ ازاین‌رو تفاوت سخنان آنها به‌خاطر خاستگاه بحث آنهاست که چه‌بسا اگر هرکدام از آنها، منظر دیگری داشــت همان سخنان دیگری را بیان می‌کرد. دکتر آشتیانی بازخوردی جامعه‌شناسانه و انتقادی از وضع موجود نسبت به نحوه اجرای ایده هگل در مورد دولت ارائه می‌کند. بنابراین، می‌توان بحث در زمینه حقوق را تحت عنوان نگاهی به حقوق از منظر فلسفه هگلی و از منظر جامعه‌شناسی آشتیانی دنبال کرد.

گزارش

چشم‌چرانی؛ اختلال یا رفتاری عادی؟

تماشاگری جنســی یا چشم‌چرانی نوعی اختلال جنســی است. در این اختــلال فرد مبتلا به تماشــای پنهانی دیگران در حیــن تعویض لباس، برهنگی یا انجام فعالیت‌های جنســی علاقه دارد. این عمل با هدف رسیدن به هیجان جنســی انجام می‌شــود، به این معنا که فرد مورد مشاهده معمولا در حریم شخصی خود مثلا خانه حضور داشته و در حال انجام امور شخصی خود است. در حالی که فرد دارای اختلال چشم‌چرانی در حال دیدزدن اوست.

بیشــتر افراد مبتــلا به این اختــلال در محل‌هایــی مانند اطــراف خانه‌ها، دستشــویی‌های عمومی، پشت پنجره‌ها و درها سعی می‌کنند دیگران را تماشا کننــد. با این حال آنها معمولا خطرناک نیســتند و هرگز بــه فرد قربانی نزدیک نمی‌شوند به این دلیل که هدف آنها برقراری رابطه جنسی با قربانی نیست بلکه قصد آنها برانگیختگی جنســی از طریق غرق‌شــدن در افکار و خیالات جنسی خودشان اســت. با اینکه چشــم‌چران‌ها افراد خطرناکی نیستند اما تماشاگری جنسی در برخی کشورها جرم‌انگاری شده است.

با این حال باید توجه کرد که هر نوع چشــم‌چرانی اختلال نیســت. در واقع اختلال تماشــاگری جنسی نوع شدیدی از چشم‌چرانی اســت. به این معنا که برخی افــراد در برخورد با دیگران یا در خیابان به صورت گذری ممکن اســت ســایرین را دید بزنند با این حال آنها دارای اختلال نیستند زیرا مانند تماشاگران جنســی بدون اجازه به حریم خصوصی دیگران تجاوز نمی‌کنند و علاقه‌ای به تماشای دیگران در حالت برهنگی یا انجام فعالیت جنسی ندارند.

عدم شناسایی این اختلال در میان کودکان و نوجوانان

اگرچه گفته می‌شــود این اختلال در میان مردان شــایع‌تر است اما زنان هم دچار آن می‌شــوند، به‌گونه‌ای که متخصصان تأکید می‌کنند میان زنان و مردان در افکار مربوط به تماشــای جنسی تفاوتی وجود ندارد، با این حال مردان مبتلا بیش از زنان اقدام به تماشــاگری جنسی کرده و افکار خود را به واقعیت تبدیل می‌کنند.

از سوی دیگر برخی مطالعات نشان می‌دهد که مبتلایان به اختلال تماشاگری جنســی معمولا به اختلال نمایشگری جنســی هم مبتلا هستند. همچنین باید توجه داشت که این اختلال در کودکان و نوجوانان تشخیص داده نمی‌شود. زیرا کنجکاوی در رابطه با فعالیت‌های جنسی بخشی از فرایند رشد است نه اختلال.

علائم ابتلا به تماشاگری جنسی چیست؟

برای اینکه از چشــم‌چرانی بتوان به عنوان یک اختلال نام برد، فرد علائمی بروز می‌دهد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

- فرد مبتلا به این اختلال به صورت جدی به دنبال تماشــای دیگران در حریم خصوصی آنها و در حالات خاص است و حتی برای این کار برنامه‌ریزی کرده و امکانات مورد نیاز را فراهم می‌کند. مانند تهیه دوربین شکاری برای تماشاگری از فاصله دور
- استمرار تمایل به این رفتار در مدت زمان طولانی معمولا بیش از شش ماه
- غالبا فرد مبتلا، تمایلی به کنارگذاشتن آن و تغییر الگوهای رفتاری خود ندارد
- فیلم‌برداری، عکاسی یا تماشاگری بدون اجازه فرد مقابل و به صورت مخفیانه
- نگاه‌کردن به دیگری در حال فعالیت جنسی بدون رضایت او
- احساس اضطراب و سرخوردگی در صورت عدم موفقیت
- ناتوانی در تحریک جنسی بدون تماشای دیگران
- ناتوانی در مقاومت در برابر نیاز به چشم‌چرانی

چرا افراد به اختلال تماشاگری جنسی مبتلا می‌شوند؟

افراد به دلایل مختلف ممکن است به این اختلال دچار شوند با این همه از موارد زیر می‌توان به عنوان مهم‌ترین علل ابتلا نام برد:

- مورد سوءاستفاده جنسی قرارگرفتن در کودکی
- تجربیات نامناســب جنســی در کودکی مثلا دیدن رابطه جنسی پدر و مادر، برهنه‌دیدن محارم مثل خواهر یا مادر
- میل جنسی بیش از اندازه
- مشغولیت ذهنی زیاد درباره مسائل جنسی
- وابستگی به فیلم پورن

اختلال چشم‌چرانی قابل درمان است؟

اختلال تماشــاگری جنسی هم یکی از بیماری‌های روانی قابل کنترل و قابل درمان اســت. برای اقدام به درمــان در اولین مرحله بایــد از متخصص مانند روان‌شناس یا روان‌پزشــک کمک بگیرید. با این حال متخصصان تأکید می‌کنند که افراد مبتلا به این اختلال روانی جنســی به دلیل ترس شدید از قضاوت‌شدن توسط دیگران معمولا خودشان برای درمان به پزشک مراجعه نمی‌کنند و بهتر اســت نزدیکان آنها در این زمینه کمک کنند، زیرا درمانگر می‌تواند به فرد مبتلا کمک کند تا کنترل زندگی خود را بار دیگر به دســت بگیرد و به او در توســعه توانایی کنترل تکانه کمک می‌کند.

روان‌کاوی یکی از روش‌هایی اســت که متخصص با استفاده از آن به درمان فرد مبتلا به تماشاگری جنسی می‌پردازد. در این متد ریشه اختلال فرد شناسایی شــده و درمانگر با شناخت دلایل تأثیر آنها را کاهش می‌دهد. در مرحله بعدی هم نگرش بیمار به اختلال تغییر می‌یابد.

شوک‌درمانی روشی اســت که درمانگر با قراردادن الکترود بر قسمت‌هایی از ســر جریان برق را وارد بخش‌هایی از مغز می‌کند تا فرد از بیماری رها شــود با این حال هنوز نتایج قطعی درباره مفیدبودن اســتفاده از این روش به دســت نیامده است.

دارودرمانی روشــی اســت که در آن برخی از داروهای ضدافسردگی مثل فلوکســتین باعث کاهش میل به چشــم‌چرانی و افزایش توانایی خودکنترلی می‌شود.

گروه‌درمانی هم یکی از روش‌هایی اســت کــه می‌تواند به فرد در این زمینه کمک کند. حضور بیمار در میان افرادی که با مشکلات مشابهی مواجه هستند به او اعتماد لازم برای صحبت درباره مشکلات و راهکارهای درمانی را می‌دهد. در این روش فرد از قضاوت‌شــدن توســط دیگران نمی‌هراسد و به دلیل تشابه شرایطش با اعضای گروه می‌تواند به آنها اعتماد کند.

همچنین یادگیری تمرین برای توانایی کنترل و مدیریت تکانه و وسوسه‌های جنســی، یافتن روش‌های جدید برای ارضای نیاز جنسی و شناسایی مکان‌ها یا موقعیت‌هایی که احتمال بازگشت بیمار به رفتار مشکل‌ساز را افزایش می‌دهد و پرهیز از این موقعیت‌ها از جمله روش‌هایی هستند که می‌توانند به درمان این بیماری در فرد مبتلا کمک کنند.